پرونده پژمان جمشیدی از زبان وکلایش

قرار بازداشت پژمان جمشیدی نقض و با سپردن وثیقه از زندان آزاد شد. رئیس‌کل دادگستری استان تهران دیروز بدون نام بردن از این متهم گفت: قرار بازداشت وی نقض شده است. پس از نقض حکم و تبدیل آن به قرار وثیقه، وکلای او با تودیع وثیقه لازم حکم آزادی او را از زندان گرفتند و عصر شنبه وکلایش از آزادی این بازیگر خبر دادند. مهدی محرابی عصر دیروز در گفت‌وگو با جام جم درباره آخرین وضعیت پرونده پژمان جمشیدی اظهار کرد: قرار بازداشت موقت صادره در دادگاه کیفری یک استان تهران نقض شد. این وکیل دادگستری گفت: کامبیز برجاس و علی محمدزاده، دیگر وکلای این پرونده برای تبدیل قرار بازداشت موقت مجدانه تلاش کردند. محرابی خاطرنشان کرد: پیش از این به موکلم قول داده بودم که برای احقاق حق و دفاع از حقیقت از جان مایه خواهم گذاشت. برخی رسانه‌های معاند خبرهای دروغی درباره پرونده و بنده مطرح کردند تا من از پرونده کناره‌گیری کنم اما من و همکارانم با تمام توان در این چند روز برای تبدیل قرار و آزادی موکل تلاش کردیم. برجاس، دیگر وکیل جمشیدی هم گفت: از مردم به دلیل توجه نکردن به شایعات و دروغ‌ها تشکر می‌کنم. این پرونده در مرحله تحقیقات است و نباید به جزئیاتش ورود کرد و برخی افراد ادعا می‌کنند از محتویات پرونده مطلع هستند که کذب است.



طلاق به خاطر شوخی‌های شوهر



سیما فراهانی
گروه حوادث

بهزاد راهی دادگاه خانواده شد تا به زندگی مشترکش برای همیشه پایان دهد. او فقط به خاطر این‌که همسرش از شوخی‌هایش ناراحت می‌شد، تصمیم به جدایی گرفت. این مرد که تحمل قهرهای بی‌حد و مرز همسرش را نداشت، با مراجعه به دادگاه خانواده درخواست طلاق خود را ثبت کرد.

در حاشیه دادگاه سراغ این زوج رفتیم. بهزاد درباره ماجرای زندگی‌اش گفت: شش ماه است ازدواج کرده‌ام اما در این مدت از رفتارهای همسرم خوشم نیامد. او زن بی‌جنبه‌ای است و تحمل شوخی ندارد. در صورتی که من مرد شوخی هستم و دوست دارم زندگی‌ام بدون هیجان نباشد. من مانده‌ام و یک دنیا سردرگمی. نمی‌دانم چگونه باید با او رفتار کنم. من آدم شوخی هستم، دوست دارم زندگی‌ام شاد و پر از خنده باشد اما انگار همسرم این چیزها را نمی‌فهمد و هرچیزی را به دل می‌گیرد.

من فقط می‌خواهم شاد باشیم و کمی از این روزمرگی‌ها فاصله بگیریم. اینها باعث صمیمیت می‌شود اما او انگار منتظر است من یک کلمه اشتباه یا شوخی نابجایی کنم؛ آماده است تا با من لج کند. اوایل سعی می‌کردم با او کنار بیایم و وقتی ناراحت می‌شد، از او معذرت می‌خواستم اما دیگر خسته شدم. هر بار که عذرخواهی می‌کنم، انگار پرروتر می‌شود. فکر می‌کند من همیشه مقصرم؛ برای همین نمی‌توانم سال‌ها با کسی زندگی کنم که هر حرفی را به خودش می‌گیرد و بعد هم قهر می‌کند. شاید گاهی شوخی‌هایم تند باشد اما نیت بدی ندارم. فکر می‌کنم او هم باید کمی انعطاف‌پذیر باشد. زندگی مشترک که فقط گریه و ناراحتی نیست؛ باید بتوانیم با هم بخندیم، حتی اگر گاهی شوخی‌های‌مان کمی از حد بگذرد. من فقط می‌خواهم یک زندگی شاد و پر از خنده داشته باشم. اگر او نمی‌تواند با شوخی‌هایم کنار بیاید، پس چطور می‌توانیم با هم زندگی کنیم؟ برای همین بهتر است، قبل از این‌که بیشتر از این همدیگر را اذیت کنیم، بهتر است از هم جدا شویم.

در ادامه همسر این مرد نیز گفت: آقای قاضی راستش را بخواهید، من هم از این وضعیت خسته شده‌ام. ازدواج ما فقط شش ماه است که دوام آورده اما انگار سال‌هاست که درگیر هستیم. بهزاد می‌گوید من جنبه شوخی ندارم. شاید حق با او باشد اما حرف‌هایش دیگر شوخی به نظر نمی‌آیند. هر بار که او چیزی می‌گوید، قلبم فشرده می‌شود.

انگار تمام تلاشش را می‌کند تا نقطه ضعف‌هایم را پیدا کند و با طنز، آنها را به رویم بیاورد. هرچه می‌گذرد، این شوخی‌ها تکراری‌تر و آزاردهنده‌تر می‌شوند. دیگر نمی‌توانم خودم را گول بزنم؛ حس می‌کنم مرا مسخره می‌کند. دلم می‌خواهد زندگی‌ام پر از هیجان باشد اما نه هیجانی که با اشک و بغض همراه شود. دوست دارم با هم بخندیم، نه این‌که من به حال خودم گریه کنم.

همسر باید پناهگاهم باشد، نه کسی که بیش از همه آزارم می‌دهد. به همین دلیل از این وضعیت خسته شده‌ام و می‌خواهم برای همیشه از این مرد جدا شوم.

در جلسه رسیدگی به این دادخواست قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند و به مرکز مشاوره خانواده فرستاد و از آنها خواست تا در مورد طلاق بیشتر فکر کنند.

برش

طلاق اولین و آسان‌ترین گزینه نیست

سارا شقاقی، روان‌شناس در این خصوص می‌گوید: یکی از دلایل اصلی طلاق در سال‌های اول زندگی مشترک، انتظارات غیرواقعی است که زوج‌ها از ابتدای زندگی مشترک دارند. فیلم‌ها، داستان‌ها و حتی فشارهای اجتماعی، تصویری ایده‌آل از ازدواج ارائه می‌دهند که در آن همه چیز همیشه خوب، عاشقانه و بدون مشکل است. وقتی واقعیت با این تصویر تفاوت دارد، برای همین زن و شوهر ممکن است به جای تلاش برای حل مشکلات، احساس کنند که اشتباه کرده‌اند و این رابطه مناسب آنها نیست. اینجاست که طلاق به‌عنوان راه‌حلی سریع و کم‌دردسر به نظر می‌رسد، زیرا مشکل اصلی، یعنی عدم انطباق انتظارات با واقعیت، نادیده گرفته می‌شود. دلیل دیگر، کاهش انگ اجتماعی طلاق است.

این تغییر نگرش، هرچند در مواردی مثبت است اما می‌تواند باعث شود که زوج‌ها، به‌خصوص در سال‌های اول که هنوز تعهدات و وابستگی‌های عمیقی شکل نگرفته، طلاق را گزینه‌ای دم‌دستی و کم‌اهمیت ببینند. همچنین، عدم مهارت در حل تعارضات نقش مهمی ایفا می‌کند.

زوج‌های جوان اغلب تجربه کافی در مدیریت اختلافات و گفت‌وگوهای سازنده ندارند. به جای یادگیری تکنیک‌های مذاکره، گوش دادن فعال و درک متقابل، ترجیح می‌دهند از موقعیت‌های دشوار فرار کنند. این فرار، که در قالب طلاق نمود پیدا می‌کند، به آنها این تصور را می‌دهد که مشکلات بی‌اهمیت بوده و قابل حل نبوده‌اند، در حالی که مشکل اصلی، فقدان ابزارهای لازم برای مواجهه با چالش‌ها بوده است. این رویکرد، باعث می‌شود طلاق نه به‌عنوان آخرین راه‌حل، بلکه به‌عنوان اولین و آسان‌ترین گزینه تلقی شود.

در نهایت، فردگرایی روزافزون نیز در این میان بی‌تأثیر نیست. تمرکز بر رضایت فردی و خوشبختی شخصی، گاهی اوقات باعث می‌شود که زوجین، کمتر به منافع بلندمدت رابطه و تلاش برای حفظ آن اهمیت دهند. اگر رابطه‌ای حتی اندکی ناخوشایند شود، فرد ممکن است ترجیح دهد آن را رها کند و در جایی دیگر به دنبال خوشبختی خود باشد.

این عوامل دست به دست هم می‌دهند تا طلاق در سال‌های اول، از یک واقعه تلخ و مهم، به پدیده‌ای نسبتا عادی و کم‌اهمیت تبدیل شود.

قاتل ایلیا در محله حمیدیان اعدام می‌شود

قضات دادگاه کیفری یک استان گیلان حکم مجازات شیطان رشت را صادر کردند

متهم به تجاوز و قتل ایلیا زادحسین، کودک ۹ ساله اهل رشت سرانجام به ایستگاه پایانی رسید و او حالا باید پاسخگوی اعمال شنیع خود باشد. اعدام به اتهام تجاوز به عنف و اجرای آن در محل وقوع جرم در محله حمیدیان رشت، حکمی است که دادگاه برای متهم صادر کرده است.

۱۷ مرداد خبر مفقودی یک پسر ۹ ساله همراه با تصاویر او در فضای مجازی منتشر شد و خانواده‌اش از مردم خواستند تا در یافتن ایلیا به آنها کمک کنند. خیلی طول نکشید که عکس‌های ایلیا به طور گسترده منتشر شد و حدود یک هفته بعد در حالی که مردم می‌کردند او را زنده و سالم پیدا کنند، ناگهان خبر پیدا شدن جسد او منتشر شد. خبری که شوک و بدحال شدن شدید پدر ایلیا را به همراه داشت و باعث شد او در بیمارستان بستری شود. خبر به سرعت نور منتشر شد و براساس اعلام ماموران آگاهی، متهم به قتل همان تعمیرکاری بود که دوبار برای تعمیرات به خانه پدر ایلیا مراجعه کرده بود. او در همان دقایق اولیه پس از دستگیری به قتل اعتراف کرد.

به گفته عموی ایلیا، متهم به قتل در دوباری که به خانه پدر ایلیا رفته بود، برادرزاده‌اش را از نزدیک دیده بود. روز حادثه قاتل در اطراف محل زندگی ایلیا کشیک می‌داد تا زمانی که متوجه بازی کردن او با دوستانش در مقابل خانه شد. سپس در فرصتی مناسب او را با گفتن این جمله که در خانه وسیله‌ای دارد که فقط ایلیا می‌تواند با آن کار کند، پسر خردسال را فریب داد و با خودش به خانه برد.

طبق اعترافات قاتل، او در خانه مجردی‌اش به ایلیا قرص خوراند و سپس به او تجاوز به عنف کرد. به اعتراف قاتل، او در خانه انواع قرص‌ها را داشت و بعد از این‌که ایلیا پس از تجاوز به هوش نیامد، سعی کرد او را با خوراندن قرص ضدتشنج به هوش بیاورد که موفق نشد. قاتل که وحشت کرده بود، پیکر بی‌جان ایلیا را سوار ماشین کرده و در حوالی مزرعه کشاورزی رها کرد.

با پیدا شدن جسد، پرونده به سرعت تکمیل و متهم با وکیل تسخیری و اولیای دم با وکلای خود در دادگاه حاضر شدند. در دادگاه نیز قاتل به جرم خود اعتراف کرد و اولیای دم و وکلای آنها درخواست اشد مجازات کردند.

عموی ایلیا در گفت‌وگو با جام جم گفت: «در دادگاه وکیل تسخیری متهم به قتل و وکلای اولیای دم دفاعیات خود را مطرح کردند. براساس کیفرخواست نماینده دادستان در دادگاه، آدم‌ربایی، اتهام کودک‌آزاری از طریق آزار جنسی، قتل، لواط به عنف مطرح شد و دادگاه براساس این عناوین اتهامی برای تجاوز به عنف، اجرای حکم اعدام در محل وقوع جرم در ملأعام، برای آدم‌ربایی سه سال حبس، برای قتل شبه‌عمد پنج سال حبس تعزیری و دیه و برای دیگر عناوین اتهامی نیز محکومیت‌هایی صادر کرد. این رای بعد از ابلاغ ۲۰ روز فرصت اعتراض از سوی دو طرف پرونده را دارد و بعد از تایید در دیوان عالی کشور قابلیت اجرا پیدا می‌کند.»



معمای مرگ یک زن در جریان درگیری

مردی که متهم است در جریان درگیری باعث ضربه مغزی و مرگ زنی شده، در دادگاه از خود دفاع کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از سه سال قبل و با گزارش مرگ مشکوک زنی در یکی از بیمارستان‌های شرق تهران آغاز شد. حال زن میانسال در خانه بد شده و تلاش پزشکان برای نجات جانش مؤثر واقع نمی‌شود. بررسی‌ها نشان می‌داد ۱۶ روز قبل از مرگ این زن، افرادی به خانه‌اش حمله کرده و او را مورد ضرب و جرح قرار داده‌اند که در این خصوص شکایتی مطرح می‌شود.

با توجه به مشکوک بودن مرگ این زن، جسد او به پزشکی قانونی منتقل می‌شود و پزشکان پس از معاینه جسد، ضربه مغزی را علت مرگ اعلام می‌کنند. با شکایت پسران زن، پرونده‌ای در این خصوص تشکیل و سه مردی که به خانه زن حمله کرده بودند به اتهام قتل تحت تعقیب قرار می‌گیرند. یکی از پسران مقتول در جریان تحقیقات گفت: روز حادثه در خانه بودیم که سه مرد به خانه ما حمله کردند و ما را همراه مادرمان کتک زدند و وسایل خانه را تخریب کردند. بعد از رفتن مهاجمان، متوجه کبودی چند نقطه در بدن مادرمان شدیم. به همین خاطر علیه مهاجمان شکایت کردیم. مادرمان مشکلی نداشت اما ۱۶ روز بعد بر اثر ضربه مغزی فوت کرد.

با دستگیری سه متهم برای آنها به اتهام مشارکت در قتل کیفرخواست صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. متهمان در تحقیقات مدعی بودند به تصور این‌که یکی از پسران این زن از آنها سرقت کرده به خانه‌اش رفته بودند. اما مادر خانواده راکتک نزدند. در جلسه محاکمه پسران مقتول درخواست قصاص کردند و متهمان هم منکر اتهام خود شدند. قضات دادگاه پس از رسیدگی، متهمان را تبرئه کردند. رأی به دیوان عالی کشور ارسال و تبرئه دو متهم تایید اما تبرئه متهم سوم نقض شد. قرار شد اولیای دم در دادگاه حاضر شوند و برای حل گره پرونده قسم بخورند. دیروز متهم و فرزندان مقتول به دادگاه آمدند اما شکات قبول نکردند قسم یاد کنند. متهم هم گفت: من ضربه‌ای به این زن نزده‌ام. احتمال دارد در جریان درگیری تعادلش را از دست داده و به کابینت برخورد کرده باشد. مگر می‌شود بعد از ۱۶ روز کسی ضربه مغزی شود؟

پسران مقتول هم در این جلسه خواستار صدور حکم قصاص برای قاتل مادرشان شد. پس از دفاعیات متهم، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

راز جسد سوخته پدر در قلب پسر

مردی در پی اختلاف خانوادگی پدرش را به قتل رساند و سپس جسد او را در خودرویی رها کرد و به آتش کشید.

سرهنگ علی قیصری، رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان مازندران در این باره به سایت پلیس گفت: در پی کشف جسد سوخته مردی در صندوق عقب خودروی پراید در ظهر پنجشنبه، یکم آبان امسال در کمربندی شمالی زیر پل ذغال چال شهرستان ساری، تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد. ماموران از طریق پلاک خودرو مالک آن که فردی ۷۹ ساله ساکن روستای النگ کردکوی را یافتند اما با تحقیق تلفنی از خانواده مالک خودرو مشخص شد پدر خانواده از روز چهارشنبه مفقود شده و گوشی همراهش هم خاموش است. همین سرنخ کافی بود که ماموران احتمال دهند جسد سوخته متعلق به همین فرد گمشده است.

وی افزود: خانواده مرد گمشده به پزشکی قانونی رفتند و هویت جسد را تایید کردند. ماموران در تحقیق از خانواده مقتول متوجه ضد و نقیض‌گویی در گفته‌های پسر بزرگ مقتول شدند. این در حالی بود که روی دست راست وی نیز آثار سوختگی وجود داشت. متهم در ادامه تحقیقات پلیسی اعتراف کرد: روز چهارشنبه پدرم به خانه‌ام در کردکوی آمد. بعد در پارکینگ آپارتمان با وی بر سر اختلافات خانوادگی دعوایمان شد و من او را هل دادم که سر او به ستون پارکینگ برخورد کرد و باعث مرگ او شد. در ادامه جسد را در صندوق عقب خودرو گذاشتم و روز بعد از کردکوی به ساری بردم و با رها کردن خودرو در جاده آن را همراه جسد در صندوق عقب با ریختن بنزین به آتش کشیدم. متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از وی ادامه دارد.

دزدی که با دیدن صاحبخانه‌ها دیوانه می‌شد!



دزد حرفه‌ای خانه‌ها وقتی صاحبخانه‌ها سر می‌رسیدند، برای فرار، خود را به دیوانگی می‌زد تا باعث وحشت آنها شود.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل فروردین امسال مردی با حضور در پلیس آگاهی تهران شکایت کرد بعد از بازگشت از سفر متوجه شده قفل در خانه‌اش در شمال تهران تخریب و هفت میلیارد تومان طلا، دلار و سکه به سرقت رفته است. همزمان با شروع تحقیقات، افراد دیگری نیز که ساکنان شمال تهران بودند به اداره پلیس آمدند و شکایت‌های مشابهی را مطرح کردند. قفل در خانه آنها نیز تخریب و سارقان طلا، دلار و سکه‌شان را که ارزش سه تا هفت میلیارد تومانی داشت به سرقت بردند. علاوه بر آن، سارقان فیلم دوربین‌های مداربسته ساختمان‌ها را هک یا تخریب کرده بودند. در تحقیقات بعدی معلوم شد یکی از سارقان در چند مورد از سرقت‌ها که در راهرو با صاحبخانه‌ها روبه‌رو شده بود، خود را به دیوانگی زده، باعث ایجاد وحشت و ترس برای آنها شده تا بقیه همدستانش با اموال سرقتی فرار کنند و بعد مرد دیوانه هم آنجا را ترک می‌کرده است.

در ادامه این جست‌وجوها، در یکی از شب‌های پایانی هفته گذشته، زنی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و اعلام کرد متوجه سروصداهایی از خانه همسایه‌شان شده و احتمال می‌دهد سارق باشند. زن همسایه بیرون آمد و منتظر پلیس بود که سارقان از خانه همسایه بیرون آمدند. با دیدن او دستپاچه شده و به این زن حمله کردند و او را کتک زدند و با اموال سرقتی فرار کردند. ماموران زن مصدوم را به بیمارستان رساندند. ساعاتی بعد خودروی سارقان که تصادف کرده و در جوی آب افتاده بود از سوی پلیس شناسایی و دو سارق بازداشت شدند. اموال سرقتی از آن دو کشف شد. وقتی ماموران با انگشت‌نگاری هویت واقعی این دو نفر را شناسایی کردند، معلوم شد یکی معتاد به شیشه بوده و سابقه خرید و فروش مواد داشته و دیگری سابقه دعوای خیابانی و سه مرتبه فرار از پادگان دارد.

شهاب یکی از متهمان در اظهاراتش گفت: سه سال است که سربازم و مدام از پادگان فرار می‌کنم. آخرین بار که فرار کردم، دوستم پیشنهاد سرقت را مطرح کرد. با او و فرید از شهرستان به تهران آمده و با شناسایی خانه‌های شمال تهران، دوربین‌های آنجا را هک یا تخریب می‌کردیم. بعد وارد خانه‌ها شده و طلا، سکه و دلار و ارز را که سه تا هفت میلیارد تومان ارزش داشت، سرقت می‌کردیم. در چند مورد هم طلا و سکه یا ارز را در دو کت جاساز و به تن کرده و از ساختمان خارج شدیم. اگر صاحبخانه‌ها یا همسایه‌ها سر می‌رسیدند، همدست فراری‌مان، خود را به دیوانگی زده و آنها را اذیت می‌کرد تا ما با اموال دزدی فرصت فرار پیدا کنیم و بعد خودش فرار می‌کرد.

بازپرس نیک، رئیس شعبه پنجم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تایید این خبر به جام جم، گفت: با اعتراف این متهم، همدستش نیز گفته‌های او را تایید کرد. معلوم شد متهمان اموال را به مالخری سابقه‌دار فروختند که او همراه سارق فراری این باند تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند.

جام جم
حوادث
INCIDENT
۱۹
یکشنبه ۴ آبان ۱۴۰۴ شماره ۷۱۷۳

بازداشت تنها مظنون قتل خیابانی

پسر جوان به عنوان تنها مظنون پرونده جنایت خیابانی در یافت‌آباد بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ساعت ۱۲ ظهر نخستین روز آبان امسال بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران با تماس تلفنی از سوی ماموران کلانتری یافت‌آباد در جریان قتل مردی جوان قرار گرفت. با دستور قضایی تحقیقات پلیس جنایی در این باره آغاز و مشخص شد مرد جوان در درگیری خیابانی میان دو گروه از جوانان با ضربه‌های چاقو مجروح شده است. همچنین در ادامه تحقیقات ماموران پی بردند در این دعوای مرگبار، قاتل مردی به نام یاشار است و وقتی برای دستگیری او به خانه‌اش رفتند ردی از او نبود و حتی خانواده‌اش می‌گفتند از شب قبل به خانه نیامده است اما یاشار دوستی به نام مهرشاد دارد که آن شب با او از خانه بیرون رفته است. پس از این مهرشاد تحت تعقیب پلیس جنایی قرار گرفت و روز شنبه در خانه‌اش بازداشت شد. متهم با انتقال به اداره دهم پلیس تهران در بازجویی گفت: فکر نمی‌کردم دوستم یاشار دست به این جنایت زده باشد چون با هم بیرون رفتیم اما از من جدا شد و با دوستان دیگرمان رفت. من هم به بوستان محله‌مان رفتم و مشروب خوردم، ساعاتی آنجا بودم و بعد به خانه‌ام بازگشتم. از دوستانم شنیدم با فردی درگیر شده و او را به قتل رسانده است. من در این ماجرا نقشی نداشتم.

سالار صنعتگر، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام جم گفت: برخی شاهدان مشخصات فردی را اعلام کردند که همراه قاتل فراری بود و با مشخصات این فرد شباهت داشت. بنابراین قرار شد او در مواجهه حضوری با شاهدان قرار گیرد تا مشخص شود در این ماجرا نقشی داشته یا نداشته است.

پایان فرار قاتل ۲ مرد

فردی که دو نفر را به قتل رسانده و تحت تعقیب پلیس مراغه بود بازداشت شد.

سرهنگ محمدتقی سلطانی، رئیس پلیس آگاهی استان آذربایجان شرقی در این خصوص به ایسنا گفت: در پی وقوع قتل دو نفر توسط فردی در شهرستان مراغه، تحقیقات پلیسی در این رابطه آغاز شد. در ادامه تحقیقات ردقاتل در یکی از محله‌های شهر تبریز به دست آمد. مأموران پی بردند او با هویت جعلی در آنجا سکونت داشته و در محل دیگری مشغول کار شده است. مأموران با هماهنگی قضایی به مخفیگاه او رفتند و متهم بازداشت شد و اعتراف کرد که با آن دو نفر اختلاف داشته و باعث شده این دو جنایت رقم بخورد.

ربودن دختر جوان در خیابان

دو مرد که به انگیزه‌ای نامعلوم دختری را با تهدید چاقو ربوده بودند بازداشت و گروگان نجات یافت.

به گزارش خبرگزاری صداوسیمای مازندران، محمدحسن دانافر، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان میان‌دورود در این باره گفت: یک دختر جوان از سوی افرادی ربوده شد. خانواده‌اش موضوع را به پلیس گزارش کردند. معلوم شد او را با تهدید چاقو در خیابان ربوده‌اند. تحقیقات پلیسی در این رابطه ادامه داشت تا این‌که رد متهمان در یکی از شهرستان‌های مجاور شناسایی شد. مأموران به آنجا اعزام و بعد از یک شبانه‌روز عملیات دو متهم بازداشت شدند. دختر جوان نیز نجات یافت و نزد خانواده‌اش بازگشت.

مرگ دختر نوجوان بر اثر برق‌گرفتگی

دختر ۱۳ساله در برخورد با نرده‌های دامداری دچار برق‌گرفتگی شد و فوت کرد.

سرهنگ بهروز لامعی، فرمانده انتظامی قزوین در این خصوص به ایرنا گفت: به‌دنبال تماس با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ مبنی بر حادثه برق‌گرفتگی در یک دامداری متروکه در اطراف قزوین، مأموران برای بررسی موضوع به آنجا اعزام شدند. مشخص شد دختری ۱۳ساله به علت برخورد با نرده‌های پشت‌بام اتاقک نگهبانی دامداری دچار برق‌گرفتگی شده و فوت کرده است.

۲ مصدوم در تصادف زنجیره‌ای

رئیس اداره تصادفات پلیس راهور پایتخت از برخورد خاور با ۱۵ خودرو در بلوار سیمون بولیوار خبر داد.

سرهنگ رابعه جوانبخت در این خصوص به ایسنا، گفت: ساعت ۱۳:۱۰ شنبه یک دستگاه خاور بنز در مسیر شمال به جنوب خیابان اقبالپور و محدوده خیابان سیمون بولیوار به‌دلایلی که هنوز مشخص نیست با ۱۵ دستگاه خودرو برخورد کرد و باعث مصدومیت دو نفر شد.